



تحلیل فضای زمینه ساز تحقق الگوهای نوین برنامه ریزی شهری، با تاکید بر الگوی

حکروایی خوب نمونه مطالعاتی: شهر اسفراین

علی فرهادی

کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان، خراسان شمالی - ایران

چکیده:

پژوهش حاضر در راستای شناسایی ساختاری، عوامل زمینه ساز پیاده سازی الگوی حکروایی خوب شهری در مدیریت شهرهای کشور با تاکید بر شهر اسفراین قرار دارد چرا که حکروایی خوب به کیفیت رابطه میان دولت و شهروندان توجه دارد. رابطه‌ایی که در پی فراهم آوردن محیطی است که در آن، شهروندان امکان توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) را به طور آزادانه داشته باشند، بدون آنکه حقوق دیگران را نقض کنند. در چنین فضا و محیطی است که مشارکت شهروندان افزایش یافته و فضای لازم جهت توسعه شهر فراهم می گردد. یافته های تحقیق نشان می دهد که فضای موجود شهر اسفراین کمترین تناسب را با فضای مورد نیاز و زمینه ساز تحقق مشارکت دارا می باشد. فضای موجود اسفراین فضایی است که در آن نحوه اداره شهر با شاخصهای حکروایی خوب فاصله دارد و سبب فاصله ساکنین این شهر و بی اعتمادی آنها به این نهادها و شیوه اداره شهرشان شده است. همچنین در این فضا، شورای شهر به عنوان نمود جامعه مدنی نتوانسته است معنای خویش را منتقل سازد به همین خاطر است که مشارکت رسمی در این شهر پایین و اکثر مراجعات به این نهاد خارج از چارچوب وظایف مشخص آنها می باشد. همچنین یافته ها نشان میدهد که جهت تحقق مشارکت در شهر اسفراین ابتدا می بایستی بستر و زمینه آن را فراهم آورد و فضایی را بازسازی کرد که در آن فضا اعتماد و سرمایه اجتماعی وضعیت مناسبی را داشته باشد. یکی از راهکارهایی که می تواند در بازسازی این فضا مناسب باشد، الگوی حکروایی خوب و شاخصهای مورد تاکیدش مانند قانونمداری، شفافیت، مسئولیت پذیری، پاسخگویی و... می باشد. چرا که این الگو با شاخصهای مورد تاکیدش سعی در بوجود آوردن فضا و ارتباطی متعالی در میان ارکان اصلی شهر می باشد که مشخصه اصلی آن اعتماد اجتماعی بالا می باشد. و در چنین فضایی است که زمینه برای تحقق مشارکت و همکاری ارکان اصلی شهر با یکدیگر فراهم تر می گردد و به دنبال این مشارکت نیز توسعه شهری محقق خواهد گشت.

واژگان کلیدی: مشارکت، حکروایی خوب، الگوهای نوین برنامه ریزی شهری، شهر اسفراین

مقدمه و بیان مسئله:

توسعه چه در اوان حیات نظریه‌ای خود، که با عنوان علم العمران از سوی ابن خلدون مطرح شد و چه اینک که در محافل آکادمیک توسعه گرایان بر میز تشریح قرار دارد، همواره جوانب تازه‌تری در خود پرورانده است. (عطاءاللهی، ۱۳۶۹: ۱۳). در این سیر تاریخی روند و گرایش حاکم بر ابعاد شکلی و محتوایی الگوهای توسعه، نمایانگر نوعی تکامل از حیث مفهومی آنهاست. به گونه‌ای که، از برداشت و باوری تک ساختی (رشد اقتصادی) به برداشت و باوری چند ساختی (توسعه پایدار) تغییر جهت داده است. به طور مشخص، مرز میان الگوی جدید و قدیم، جایگزینی محوریت انسان در توسعه، به جای محوریت فناوری در دهه‌های گذشته است. (علوی زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۱). و بر این نکته تاکید دارند که توسعه دگرگونیهای عمده‌ای از جانب انسان است که طبیعت نقش کمرنگی

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

در آن داشته و مسئولیت آن مستقیماً به عهده انسان است (عضدانلو، ۱۳۸۵: ۴۹). و به همین خاطر اینک الگوهای کلاسیک توسعه جای خود را به رگه عوامل فرهنگی و انسانی داده‌اند. پیش از این، همه تأکید بر عوامل سیاسی - اقتصادی بود، اما اکنون سازه‌های انسانی - فرهنگی نیز جایگاه خود را یافته‌اند. قبلاً جامعه به درون چارچوبهای تک سونگر توسعه رانده می‌شد و اکنون این توسعه است که باید خود را در خدمت ویژگیهای بومی هر جامعه قرار دهد (عطاءالهی، ۱۳۶۹: ۱۳). یکی از مکانهایی که همواره، محل مطرح شدن و آزمایش آرای توسعه بوده، شهرها می‌باشند و اندیشمندان عرصه توسعه همواره به دنبال دستیابی به توسعه شهرها از طریق نظریاتشان بوده‌اند. چرا که با پیش‌بینی استقرار بیش از ۶۶ درصد جمعیت جهان در شهرها تا سال ۲۰۲۰ میلادی، جهان در حال تبدیل به جهانی شهری است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۵). جهانی شهری که امروزه در جهان در حال توسعه با مسائل عدیده ای روبرو می‌باشد چرا که جریان شهرنشینی در جوامع در حال توسعه به جای تحقق آرمانهای نوگرایانه‌ای چون دارایی و رفاه، گسترش فقر را به همراه داشته است. در چالش با این مشکلات، دولت‌های ملی و محلی جنوب مشروعیت و کارآمدی چندانی ندارند. سرمایه انسانی و اقتصادی خردمایه در کنار ساختارهای اداره امور مطلقه و مشارکت گریز به افزایش دامنه مسائل شهری انجامیده است (ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۲: ۵۳). جهت برون رفت از این بحران، جامعه جهانی، به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست بلکه پیشویبیشازهمه، مشکلاتاصلیدر شیوه‌دارهاین عوامل است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۶). با شرایط جدید و همچنین با ظهور نهضتهای اجتماعی گسترده، تکثیر اشکال جدید سازمان اجتماعی و تقاضا برای افزایش مشارکت سیاسی منجر به نوعی دموکراتیکسازی گسترده در رژیم‌های اقتدارگرا در اواخر دهه‌ی ۱۹۸۰ و اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی گردید و نوعی گذر از نقش ساختارهای رسمی و حکومتها به عنوان محور تصمیم‌گیری به نقش جامعه‌ی مدنی در اعمال حقوق دموکراتیک و انجام وظایف رویداد به گونه‌ای که، در اوایل دهه‌ی ۱۹۹۰ میلادی رویکرد مدیریت شهری دولتمدار به رویکرد حکمروایی شهری تحول یافته‌است (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۲۵). و در اثر این تغییرات بود که امروزه در اداره جوامع، مفاهیمی مورد تأکید قرار می‌گیرد که قبلاً در حاشیه قرار گرفته بود یکی از این موارد، مسأله مشارکت ارکان اصلی جوامع با یکدیگر می‌باشد. در واقع از اواخر دهه ۵۰ میلادی و به دنبال شکست برنامه‌های توسعه مبتنی بر دیدگاه نوسازی، مفهوم مشارکت و توسعه مشارکتی در ادبیات توسعه مطرح شد و این باور را تقویت کرد که فقدان مشارکت‌های مردمی در طراحی، اجرا و ارزیابی برنامه‌ها موجب ناکامی آنها شده است. از این رو در واکنش به این امر، مفهوم مشارکت به عنوان دخالت شهروندان در تصمیم‌گیری‌های عمومی و برنامه‌ریزی در زمینه‌های مربوط به آن مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گرفت و فرایندهای تقویت کننده مشارکت مردم، به عنوان زمینه اصلی توسعه مطرح شد. (حسین زاده و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۰-۶۱). مطرح شدن اهمیت مقوله مشارکت در ادبیات بین‌المللی برنامه‌ریزی شهری به خصوص کشورهای توسعه یافته سبب وارد شدن این مفهوم در ادبیات توسعه کشورهای در حال توسعه گردید و این کشورها عامل اصلی موفقیت در برنامه‌ریزی و اداره شهرهای خویش را در مفهوم مشارکت خلاصه کردند و به این نتیجه رسیدند که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست بلکه پیشویبیشازهمه، مشکلاتاصلیدر شیوه‌دارهاین عوامل است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۶). شیوه اداره‌ی که می‌بایستی با مشارکت تمام بازیگران عرصه شهر به انجام برسد. موارد فوق باعث مطرح شدن مقوله مشارکت در کشورهای در حال توسعه منجمله ایران گردید و تمام متخصصان امور شهری در این کشورها به اهمیت آن در ساماندهی مشکلات و طرحهای شهری اذعان نمودند. ساختار مدیریت شهرهای ایران نیز با این تحولات دچار تغییر شد. یکی از این تحولات مهم در عرصه سیاسی - اجتماعی کشور تشکیل شوراهای شهر در سال ۱۳۷۷ بود. هدف و مقصود نهایی از استقرار شوراها نیز به این دلیل بود که زمینه مشارکت مردم در امورات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه فراهم شود. به عبارتی دیگر، از تمرکز قدرت در دست عمده‌ای معدودی از افراد جامعه، جلوگیری و قدرت در بین افراد جامعه توزیع شود. (ربانی

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

و دیگران، ۱۳۸۶: ۲۹). منتها با این تحولات صورت گرفته هنوز مفهوم مشارکت در شهرهای ایران تحقق نیافته است به طوریکه کهدر فرآیند برنامه ریزی، تصمیمگیری و اجرا یک طرح، مردمی اصلا "نقشیندارند و یانقش کمرنگیدارند (اسماعیل زاده و صرافی، ۱۳۸۵: ۳). یکی از راهکارهایی که در اثر اجرایی شدن می تواند زمینه لازم را جهت مشارکت با نزدیک تر نمودن ارکان اصلی شهر به یکدیگر (شهروندان، جوامع مدنی و شهرداری) فراهم نماید. رویکرد حکمروایی خوب می باشد. گفتمان حکمروایی، عنصر ذاتی همکاری بین جامعه مدنی و جامعه سیاسی و همچنین بین دولت و شهروندان است و ریشه در چشم انداز مدیریت عمومی نو دارد که در واقع پاسخی به ناامیدی و دلزدگی از شکستهای مشهود دولت رفاه، در فراهم آوردن موثرتر و کارا تر کالاها و خدمات عمومی است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۴۱). با مطرح شدن الگوی حکمروایی خوب شهری طی دهه های اخیر، دولتها بویژه در جهان در حال توسعه، به تجویز این شیوه مدیریتی در سطوح مختلف حکومتی کشورشان (سطوح ملی، منطقه ای و محلی) پرداختند. (اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۲). با تاثیر پذیری از این جریانات، مفاهیم شهروندی و حکمروایی خوب، چندسالی است که در کشور مطرح شده است. با این وجود، بستر مناسبی برای اجرای اصول حکمروایی خوب، چه از طرف دولت و چه از طرف مردم وجود ندارد (یعنی واگذاری برخی اختیارات به سطح محلی) برای مقابله با این مسئله، باید ضمن تقویت فرهنگ خود مدیریتی در شهروندان، فرهنگ کاری متقابل در کارگزاران حکومت مرکزی و کارگزاران محلی ایجاد شود. لزوم دستیابی به حکمروایی خوب، ایجاد جوامع مدنی است، به طوری که تعامل بین دولت، مردم و بخشهای خصوصی صورت گیرد (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۳۷). دغدغه پژوهش حاضر نیز در راستای شناسایی ساختاری، فضای زمینه ساز پیاده سازی الگوی حکمروایی خوب شهری در مدیریت شهرهای کشور قرار دارد چرا که حکمروایی خوب به کیفیت رابطه میان دولت و شهروندان (Sheng, 2010: 134). توجه دارد. رابطه ای که در پی فراهم آوردن محیطی است که در آن شهروندان، امکان توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) را به طور آزادانه داشته باشند، بدون آنکه حقوق دیگران را نقض کنند. (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۸). و در این چنین فضا و محیطی است که مشارکت شهروندان افزایش یافته و فضای لازم جهت توسعه شهر فراهم می گردد. چرا که اجرایی شدن الگوی حکمروایی خوب می تواند با استقرار یک رابطه متعالی می تواند باعث نزدیک تر شدن ارکان اصلی شهر به یکدیگر و افزایش اعتماد اجتماعی گردد و در این فضا است که زمینه لازم برای توسعه شهری فراهم می گردد. همچنین در تحقیق حاضر شهر اسفراین به عنوان منطقه مورد مطالعه انتخاب گشته است تا دغدغه مورد نظر در این مکان (شهر اسفراین) مورد تحلیل قرار گیرد.

فرضیه تحقیق

در تحقیق حاضر یک فرضیه کلی تدوین شده است که به شرح زیر می باشد:

(- به نظر می رسد با تحقق پارامترهای مختلف حکمروایی خوب شهری بتوان اعتماد عموم مردم رابه شورا و مدیریت شهری (و تحقق مشارکت) افزایش داد.

روش تحقیق

نوع تحقیق حاضر توصیفی - تحلیلی می باشد. بدین ترتیب که ابتدا وضع فضای ارتباطی بین ارکان اصلی شهر اسفراین با یکدیگر و همچنین متغیرهای زمینه ساز بهبود این ارتباط مورد توصیف قرار می گیرد و در مرحله بعد این وضع موجود در ارتباط با الگوی حکمروایی خوب مورد تحلیل قرار می گیرد که این فضای موجود تا چه حد می تواند زمینه لازم را برای تحقق الگوی مورد نظر فراهم می آورد و چه اقداماتی باید صورت گیرد تا امکان این تحقق بیشتر فراهم گردد. جمع آوری اطلاعات در این تحقیق در دو



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

مرحله اسنادی و میدانی انجام می شود. در مرحله اول از طریق مطالعه اسناد و کتب مربوطه در زمینه مبانی نظری استفاده می گردد. در مرحله میدانی نیز از طریق ابزاری مانند پرسشنامه و مصاحبه به مطالعه متغیرهای مورد نظر تحقیق پرداخته می شود. پرسشنامه مورد نظر نیز در ارتباط با متغیرهای مورد نظر در سه سطح طراحی می گردد. بدین ترتیب که این پرسشنامه ها برای هر کدام از ارکان اشاره شده شهر با توجه به متغیرهای مربوطه به هر کدام به طور جداگانه (در دو سطح) تدوین و طراحی می گردد. شیوه برآورد حجم جامعه آماری برای شهروندان شهر اسفراین از طریق فرمول کوکران و بر مبنای جمعیت سرشماری سال ۱۳۹۰ محاسبه می گردد. همچنین تعداد ۲۱ پرسشنامه نیز از اعضای شورای شهر و کارکنان شهرداری اسفراین تکمیل می گردد. شیوه انتخاب اعضای جامعه آماری نیز به صورت تصادفی می باشد. همچنین جهت تحلیل داده ها نیز در مرحله توصیف از آمارهای توصیفی استفاده می گردد. در زمینه تحلیل نیز از آمارهای استنباطی و ضرایب همبستگی استفاده می گردد. همچنین از آزمون رگرسیون نیز جهت درجه بندی میزان تاثیرگذاری هر کدام از متغیرهای مورد اشاره بر مقوله حکمروایی خوب استفاده می گردد. تا مشخص گردد کدام متغیر تاثیر بیشتری بر این مقوله دارد. تا از دل این مراحل، نتایج لازمه جهت برنامه ریزی فضاهای لازمه برای تحقق الگوی حکمروایی خوب فراهم گردد.

متغیرهای تحقیق

پس از تشریح دغدغه و مسئله مورد نظر نگارنده در این قسمت متغیرهایی که برای بررسی این دغدغه مورد تاکید می باشند، ارائه می گردد. در تحقیق حاضر همانطور که عنوان گردید وجود ارتباطات مناسب میان ارکان اصلی شهر با یکدیگر می تواند زمینه لازم را برای تحقق الگوی حکمروایی خوب فراهم آورد. حال برای بررسی مناسب بودن یا نبودن این ارتباطات می بایستی از متغیرهایی استفاده گردد تا این امر را عملیاتی و مورد سنجش قرار دهد. این متغیرها در تحقیق حاضر به شرح زیر می باشد.

ارکان اصلی شهر : شهروندان، شورای شهر به عنوان نمود جامعه مدنی، شهرداری به عنوان نهاد اداره کننده شهر.

متغیرهایی که سبب می شوند شهروندان ارتباط بهتری با دو رکن دیگر داشته باشند :

- (- رضایت از کیفیت زندگی در بین شهروندان : این رضایت سبب افزایش اعتماد نهادی شهروندان به شهرداری و شورای شهر می شود چون مهمترین رسالت اداره شهر بهبود کیفیت زندگی شهروندان می باشد.
- (- اعتماد عمومی : کیفیت اعتماد عمومی در میان شهروندان عامل مهمی در کیفیت ارتباط آنها با ارکان دیگر شهر می باشد.
- (- اعتماد نهادی : کیفیت اعتماد نهادی در میان شهروندان عامل مهمی در کیفیت ارتباط آنها با ارکان دیگر شهر می باشد. بالطبع اعتماد نهادی پایین مانع مهمی در تعامل شهروندان با نهادهای اداره کننده شهر خواهد بود.
- (- آگاهی اجتماعی : در این قسمت بر کیفیت آگاهی شهروندان از فلسفه پیدایش جوامع مدنی تاکید می گردد چرا که آشنایی بهتر شهروندان با فلسفه پیدایش این نهاد تاثیر مناسبی بر تعامل آنها با این نهاد خواهد داشت. شواری شهر (نمود جامعه مدنی و پل میان شهروندان و شهرداری)

در زمینه شورای شهر به متغیرهای زیر توجه می شود چرا که کیفیت این متغیرها می تواند بر کیفیت ارتباط دیگر ارکانها با آنها موثر باشد. این متغیرها به شرح زیر است :

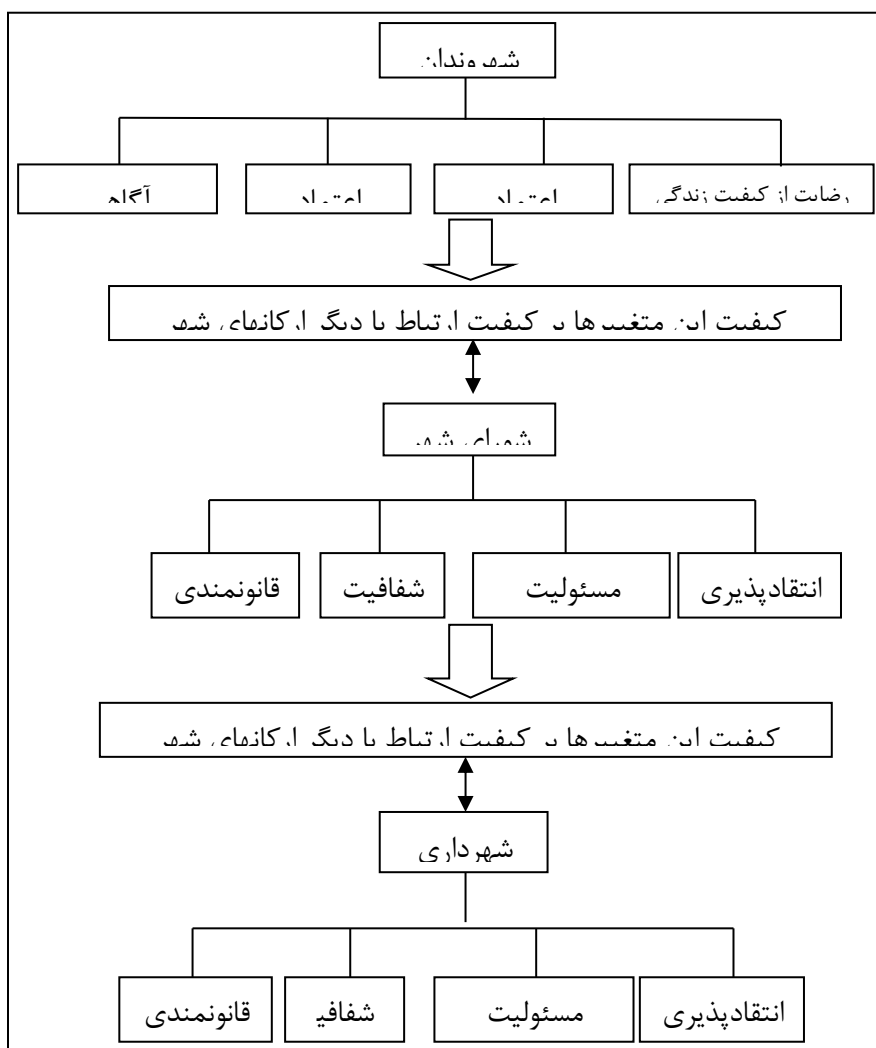
پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

(- انتقاد پذیری، مسئولیت پذیری، شفافیت و آگاهی رسانی از طرحها و برنامه ها، قانونمندی شهرداری (به عنوان نهاد اداره کننده شهر)

در زمینه شهرداری به متغیرهای زیر توجه می شود چرا که کیفیت این متغیرها می تواند بر کیفیت ارتباط دیگر ارکانها با آنها موثر باشد. این متغیرها به شرح زیر است :

(- انتقاد پذیری، مسئولیت پذیری، شفافیت و آگاهی رسانی از طرحها و برنامه ها، قانونمندی شکل شماره (۱) موارد بالا را جهت همزمانی بهتر به صورت گرافیکی نشان می دهد.

شکل شماره (۱) چارچوب انتخاب متغیرهای تحقیق



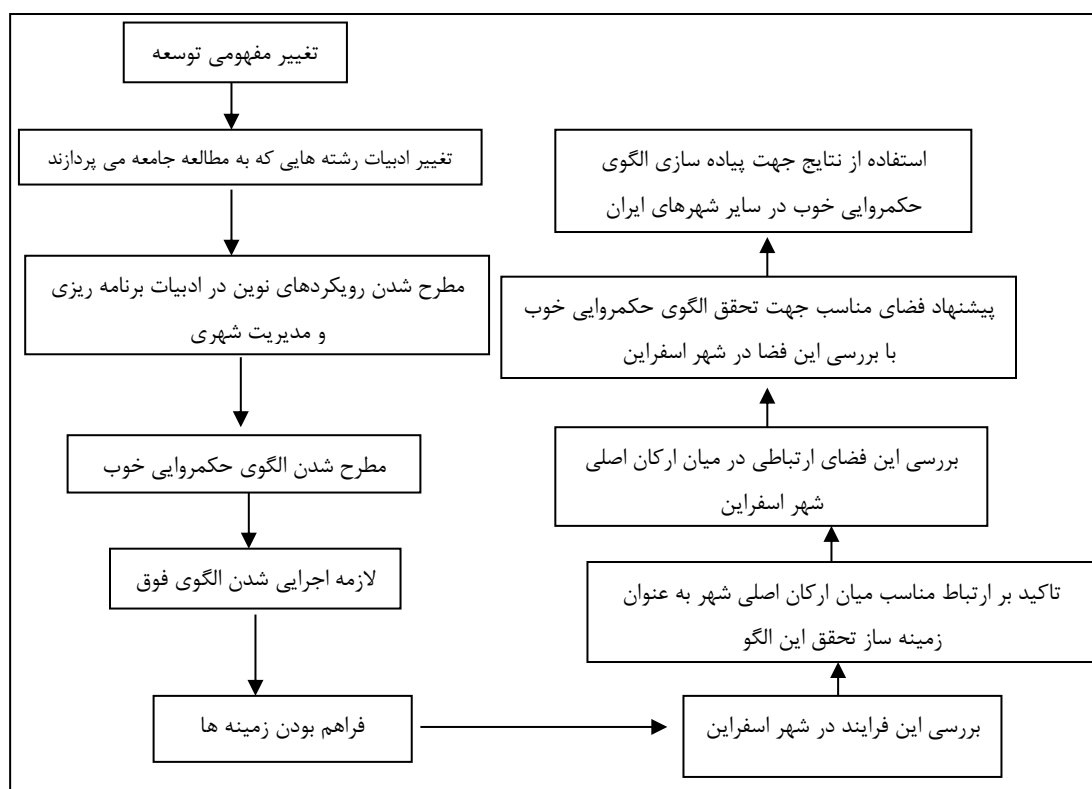
(منبع : مطالعات نگارندگان)

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

مدل مفهومی تحقیق :

همانطور که عنوان شد تحقیق حاضر به دنبال بررسی عوامل زمینه ساز تحقق الگوی حکمروایی خوب می باشد. و در این راستا همانطور که در بخش متغیرهای تحقیق عنوان گردید، زمینه این تحقیق را در مناسب بودن فضای ارتباطی میان ارکان اصلی شهر می داند همچنین در قسمت متغیرهای تحقیق عنوان شد که چه متغیرهای می تواند این زمینه را فراهم سازد. خلاصه ایی از مباحث عنوان شده در این قسمت جهت هم زبانی بهتر نگارندگان با خوانندگان به صورت گرافیک و در قالب مدل مفهومی تحقیق ارائه می گردد.

شکل شماره (۲) : مدل مفهومی تحقیق



(منبع : مطالعات نگارندگان)



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

ادبیات تحقیق :

حاکمیت خوب شهری :

در ادبیات منتشر شده "حکمرایی خوب" را برگردان واژه "Good Governance" عنوان کرده اند. با وجود این، اکثر صاحب نظران داخلی معتقدند، به جای ترکیب عربی - فارسی "حکمرایی" واژه "حاکمیت" را معادل (Governance) می توان به کار برد و به جای واژه "خوب" واژه "شایسته" را معادل "Good" قرار داد (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۸). حکمرایی در لغت به معنای اداره و تنظیم امور است و به رابطه میان شهروندان و حکومت کنندگان اطلاق میشود. در واقع این اصطلاح "رابطه" و نه "دستگاه" را توصیف می کند. (لاله پور، ۱۳۸۶: ۶۲). براساس تعریف برنامه عمران سازمان ملل نیز، حکمرانی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت داری (مدیری، ۱۳۸۳: ۹۴). صندوق بین المللی پول، حکمرانی خوب را همان مدیریت پاسخگو و شفاف منابع مالی کشور براین یا به اهداف توسعه ای اجتماعی و اقتصادی پایدار توصیف مینماید و بانک جهانی، ارتقای ارزشهای مردم سالاری، کنترل فساد، تحکیم حقوق انسانی و پاسخگویی را از ارزشهای اصلی حکمرانی خوب می داند. همچنین توجه به این نکته نیز مهم می باشد که حکمرانی، مفهومی وسیعتر از حکومت دارد و آن حاصل همبستگی و تعامل اقدامات و رفتارهای بازیگران بخشهای مختلف جامعه است. بعلاوه، حکومت تنها یکی از بازیگران اصلی فرایند حکمرانی است و در پرتو همکاری سازنده و هم افزای حکومت با بخش خصوصی و جامعه مدنی است که حاصل میگردد. (سالارزهی و ابراهیم پور، ۱۳۹۱: ۵۳-۵۴). دو واژه ای حکومت شهری و حکمرایی شهری متضمن نگرشها و الگوهای بسیار متفاوت و متمایز تلقی میشوند که هر یک فرم و فرایند متفاوتی از مدیریت شهری را پدید می آورند. برایان مککلاین، اولین نظریه پرداز است که در سال ۱۹۷۳ به این دو مفهوم پرداخته است. از نظر او حکومت مجموعه ای از نهادهای رسمی و حقوقی با قدرت قانونی است. اما حکمرایی نوعی فرایند است. این فرایند متضمن نظام به هم پیوسته ای است که هم حکومت و هم اجتماع را در بر میگیرد. حکمرایی خوب به اداره و تنظیم امور محلی و ملی و رابطه شهروندان و حکومت کنندگان توجه فراوان دارد. براساس تعاریف برنامه سازمان ملل متحد، حکمرایی خوب عبارت است از مدیریت امور عمومی بر اساس حاکمیت قانون، دستگاه قضایی کارآمد و عادلانه و مشارکت گسترده مردم در فرایند حکومت داری. (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۳۱). همچنین حکمرایی را می توان مدیریت آگاهانه ساختارهای حکومتی با قصد تقویت حوزه ی عمومی تعریف نمود. و یا از منظری دیگر حکمرایی شامل دولت می شود، اما با در بر گرفتن بخش خصوصی و جامعه مدنی از آن فراتر میرود. دولت، محیط سیاسی و قانونی مساعد را فراهم می کند. بخش خصوصی، شغل و درآمد ایجاد می کند. جامعه ی مدنی، کنش متقابل سیاسی و اجتماعی را از طریق بسیج گروهها برای مشارکت در فعالیتهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تسهیل می کند. هدف اصلی حکمرایی خوب، تشویق کنش متقابل سازنده میان هر سه است. (برک پور، ۱۳۸۱: ۴۱). حکمرایی از دیدگاه جامعه شناسی، نوعی پارادایم یا چهارچوب تاریخی و معرفتی دقیقاست که برای پاسخگویی به شیوه اداره جوامع کنونی که میتواند ایدئولوژیهای مختلفی را درون خود داشته باشد. شیوه درست و هنجاری حکمرایی این است که بتواند مشارکت و همکاری را میان همه نیروهای موثر در مدیریت جامعه یعنی دولت، بخش خصوصی، عمومی، و تشکلهای مردمی را برقرار کند (اطهاری و همکاران، ۱۳۸۶: ۱۱). در واقع الگوی حکمرایی شهری یک شکل جدید از حاکمیت شهری است که پاسخگوی ضرورت تعادل چند وجهی میان عناصر و نیروهای متکثر در جهت پایداری توسعه و شهروند مداری است (کاظمیان، ۱۳۸۳: ۳). همچنین بین دو مفهوم 'Government' و 'Governance' تفاوتی وجود دارد چرا که در اولی بحث از دولت به تنهایی است، حال آنکه در دومی، مراد روابط متنوع بین نهادهای جامعه ی مدنی و دولت در درگیری، هدایت، کنترل و اداره امور است. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۳۳۹). کوفی



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

عنان دبیر کل سابق سازمان ملل حکمروایی را چنین تعریف می کند: حکمروانی خوب تضمین احترام به حقوق انسانی و حاکمیت قانون، تقویت دموکراسی، ارتقای شفافیت و ظرفیت اداره عمومی است. (رهنما و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰۴). با توجه به تعاریف بیان شده و از ترکیب تعاریف گوناگون می توان حکمروایی را اینگونه تعریف نمود: حکمروایی شهری فرایندی است چند جانبه میان کنشگران رسمی اداره شهر از یک طرف و نیز فعالان عرصه مدنی به عنوان کنش گران غیر رسمی که تعاملات چند وجهی آنها می تواند به سازگاری منافع گوناگون در بین کنشگران منجر شود. آنچه در این مفهوم باز نمود دارد، همانا وارد شدن جامعه ی مدنی و نیز بخش خصوصی به فرایند برنامه ریزی و اداره ی امور (شهری) است. (رهنما و دیگران، ۱۳۸۹: ۲۰۴-۲۰۵).

توسعه و حکمروایی خوب:

توسعه، فرآیندی کمی و کیفی است که در یک جامعه بر تمام ابعاد اجتماعی - اقتصادی و فرهنگی آن تاثیر می گذارد. و سطوح مختلف زندگی را در بر می گیرد؛ یا به نوعی می توان گفت، فرایندی است که یک جامعه را از وضعیتی خاص به وضعیتی بالاتر (حداقل از نظر کیفیات زندگی) می رساند. و گذار جامعه از وضعیتی خاص به سمت شرایط و وضعیت بهتر قلمداد می گردد. بنابراین، گذار کیفی جامعه از مرحله ای به مرحله دیگر، توسعه محسوب می گردد. (لطیفی، ۱۳۸۲: ۱۳۵). همچنین یک مفهوم کلی و سیستمی است. یعنی به جهش های دفعی و ناگهانی در یک مقطع خاص را توسعه نمی گوئیم. بلکه یک فرایند مستمر است و امکان دستیابی به سطوح و وضعیت بهتر و بالاتر را فراهم می کند و منقطع نیست و معطوف به هنجارها، فرمها، ارزش های مشخص است (میرزایی، ۱۳۸۵: ۷). همچنین فرایندی در هم تنیده و دارای ابعاد گوناگون اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی است و به معنای فراهم شدن زمینه های لازم برای پیدایی ظرفیت ها و قابلیت های عناصر مختلف در اجتماع و میدان یافتن آنها برای دستیابی به پیشرفت و افزایش توانایی های کمی و کیفی در بطن جامعه و حکومت است که بنا به اعتقاد هابرماس علاوه بر عقلانیت ابزاری، عقلانیت فرهنگی و عقلانیت ارتباطی را نیز در برمیگیرد. توسعه برخلاف انقلاب که می تواند به یکباره اتفاق بیفتد با فرایند و در یک دوره زمانی می تواند رخ دهد (گودرزوند چگینی، ۱۳۸۷: ۲۸). گذار و تحول کیفی که در هر دوره زمانی، با مفاهیم گوناگونی هدف گذاری می شدند، و در قالب یک الگوی کلی درصدد دستیابی به توسعه و بالندگی بوده اند الگوهایی مانند الگوی رشد (دهه ۵۰ میلادی)، الگوی باز توزیع منابع یا الگوی ساختارگرا (دهه ۶۰ میلادی)، الگوی تامین نیازهای اساسی (دهه ۷۰ میلادی)، الگوی توسعه پایدار (دهه ۸۰ به بعد). جدای از تمایزات مفهومی و کارکردی هر یک از الگوهای فوق، آنچه که قابل تاکید است مرز میان الگوی جدید و قدیم، جایگزینی محوریت انسان در توسعه، به جای محوریت فناوری در دهه های گذشته است (علوی زاده، ۱۳۸۶: ۱۹۱). در برداشت جدید از توسعه استدلال می شود که نه فقط رشد اقتصادی و تولید ثروت، حتی توزیع عادلانه ثروت نیز به تنهایی تأمین کننده زمینه رفاه و خوشبختی انسان ها و فراهم کننده توسعه در جوامع بشری نیست (نوبخت، ۱۳۸۸: ۳۸). و تنها با تأکید بر افزایش راندمان و رشد اقتصادی، نمی توان توسعه همه جانبه را رقم زد (اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۵). یکی از مواردی که در زمینه توسعه ی جوامع مورد توجه قرار گرفت مقوله اداره جوامع و نحوه ارتباط اداره کنندگان (حاکمان - دولت) با مردم بوده است به طوری که بانک جهانی نیز در مطالعات سال ۱۹۸۹ دریافت که حکمرانی - شیوه مدیریت و اداره کشور یا رابطه شهروندان با حکومت کنندگان - موضوع محوری توسعه است. (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۸). و آقای کوفی عنان دبیر کل سابق سازمان ملل متحد نیز یک بار اعلام کرد که حکمروایی خوب برای حفاظت و پشتیبانی از حقوق شهروندان و پیشرفت اقتصادی و توسعه



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

اجتماعی، حیاتی است (Waheduzzaman & Mphande, 2012: 2). در زمینه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری نیز جامعه جهانی، امروزه به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا تکنولوژی مدرن و یا نیروی انسانی ماهر نیست بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۶). و با این تفاسیر بود که مفهوم حکمروایی از دهه ۱۹۸۰ وارد متون جامعه‌شناسی سیاسی و اداره امر محلی شد و دلالت بر موضوع یا محتوایی قدیمی درباره رابطه قدرت و جامعه داشت که ایده‌های نظری آن به دوران ارسطو و افلاطون و ابعاد فلسفی طرح شده توسط آنها در زمینه حکومت و شهروندی بر می‌گردد. اما امروزه این واژه غالباً برای تشریح نحوه مناسب اعمال قدرت به منظور تحقق توسعه پایدار به کار برده می‌شود (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۸۱). و سنگ بنای بازساخت و توسعه پایدار می‌باشد (Mafnuisa, 2004: 490). در واقع در هر جامعه‌ای هنگام جستجو برای راه حل توسعه پایدار، همواره حکمروایی خوب به عنوان یک ابزار حیاتی برای پیشبرد توسعه پایدار مطرح می‌گردد و به صورت یک عنصر حیاتی در استراتژی‌های توسعه پایدار گنجانیده شده است (Kardos, 2012: 1166). حکمروایی محصولی انسانی می‌باشد، و به همین خاطر فعالیتی است که برای تعریف روابط و اثرات متقابل دولت و جامعه مفید است (Bhuiyan, 2011: 414). و کارآمدی حکومت در این رویکرد تابعی از چگونگی ارتباط شهروندان با حکومت است (فاطمی‌نیا، ۱۳۸۶: ۴۴). در رویکرد حکمروایی خوب، رابطه‌ی متعالی دولت و شهروندان از طریق توزیع قدرت و واگذاری اختیارات و مسئولیت‌ها به بازیگران محلی بازآفرینی می‌شود (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۴۹) و رهیافتی ساختار شکنانه به برنامه‌ریزی توسعه شهری مدرن دارد که بیشتر مبتنی بر مالکیت خصوصی و عقلانیت ابزاری است (پورمحمدی و دیگران، ۱۳۸۹: ۳۶). در حکمروایی خوب تنها اصلاح دولت مد نظر نیست بلکه شامل جامعه مدنی و سرمایه نیز می‌باشد (Roberts et al, 2007: 968). در این هدف به یک حرکت و گذار از ساختارهای متمرکز و سلسله‌مراتبی به طرف یک رویکرد مشارکتی با سازمانهای اجتماعی و بازیگران غیر دولتی از جمله بخش خصوصی اشاره دارد (Baum, 2004: 185) و یک مدل تصمیم‌گیری است که بر اجماع و خروجی آن که مدعی مشارکتی بودن است تاکید دارد (Gracia, 2006: 745). همچنین در تقابل با الگوهای اداره یک طرفه (از بالا به پایین) شهرها و تعاملات یک سویه دولت با شهروندان به کنش متقابل میان سه بازیگر اصلی شهر یعنی دولت محلی، بخش خصوصی و جامعه مدنی توجه دارد (ایمانی جارجمی، ۱۳۸۲: ۵۴). و در این راستا بر رعایت اصولی چون مشارکت، شفافیت، قانونمداری، نظارت، عدالت، کارآیی و اثر بخشی و... تأکید دارد. تا بدین وسیله بستری فراهم گردد که بازیگران مختلف شهری (دولت، شهروندان و نهادهای غیر دولتی) در تعامل با هم به اداره و توسعه شهرها بپردازند (اسماعیل زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۲). و تمام بازیگران عرصه شهر، در فضایی دموکرات، اعتمادزا، و با روابطی انسانی در توسعه شهر نقش داشته باشند. چرا که نباید فراموش کرد که توسعه برای مردم بوده و تنها راه تحقق آن در شرکت انسانها و اهمیت و ارزشی است که به افکار و عقاید آنها داده می‌شود (ضرابی و اذانی، ۱۳۸۰: ۱۱). ارتباط بین حکمرانی خوب و توسعه را می‌توان از سهم نظر مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. اول؛ حکومت دموکراتیک، که بر مشروعیت، مسئولیت‌پذیری و حقوق بشر دلالت می‌کند. این تعریف اصول اساسی توسعه را شکل داده و توسعه مشارکتی را ارتقاء می‌بخشد. گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ادعا می‌کند که سرمایه‌گذاری در حکمرانی دموکراتیک به پیشرفت در اهداف توسعه کمک خواهد کرد. رویکرد دوم؛ با حکمرانی مؤثر سروکار دارد که بیشتر به توانایی اداره کردن مربوط می‌شود تا شکل حکومت کردن. رویکرد سوم؛ به عملکرد هماهنگ که منجر به نظم در اقدامات و تعاملات میان دولت دیگر بازیگران است، مربوط می‌شود (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱: ۲). به عبارت دیگر حکمروایی را می‌توان به عنوان محیطی تجسم نمود که در آن سازمان‌های مدنی، اجتماعات، شهروندان، بخش خصوصی و سایر نهادها می‌توانند خود را مالک فرآیندهای توسعه و مدیریت محلی جوامع خود فرض نمایند. در چنین شرایطی مشارکت، بهره‌برداری از منابع محلی، ابتکارات و خلاقیت‌های بازیگران در جهت توسعه محلی بهبود می‌یابد. (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۸۲). موارد

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

فوق نشان می‌دهد که حکمروایی خوب می‌تواند بسترهای لازمه جهت توسعه جوامع و شهرها را فراهم نماید. منتها برای به کارگیری این رویکرد نیز بسترهای خاصی لازم است که ابتدا می‌بایستی فراهم گردد و حکمروایی خوب بر روی آنها سوار گردد. یکی از مهمترین بسترها، بازاندیشی در مفهوم حکومت و برنامه‌ریزی است که باید از حالت اقتدارگرا خارج شده و حالتی دموکراتیک و مردم سالارانه به خود بگیرد. و در این مسیر به مدیرانی پاسخگو و شهروندانی مسئول در قالب گفتگمانی دو سویه نیاز خواهد داشت.

حکمروایی خوب و زمینه سازی برای تحقق مشارکت

موارد فوق نشان می‌دهد که ماهیت اصلی حکمروایی خوب به کیفیت رابطه میان دولت و شهروندان (Sheng, 2010 : 134). توجه دارد. رابطه‌ایی که در پی فراهم آوردن محیطی است که در آن شهروندان، امکان توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) را به طور آزادانه داشته باشند، بدون آنکه حقوق دیگران را نقض کنند. (تقوایی و تاجدار، ۱۳۸۸: ۴۸). همچنین با توجه به تعریف فضای شهری به عنوان مکان تعامل و تجسم کالبدی گفتگوی نیروها و نیز الگوی حکمروایی خوب به عنوان رهیافت زمینه ساز امکان توافق و برقراری انواع روابط اجتماعی (اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) به طور آزادانه می‌توان به نقش اهمیت این رویکرد در فضا سازی برای برقراری ارتباطات و مشارکت پی برد. چرا که در رویکرد حکمروایی خوب، رابطه‌ی متعالی دولت و شهروندان از طریق توزیع قدرت و واگذاری اختیارات و مسئولیت‌ها به بازیگران محلی بازآفرینی می‌شود (رهنمایی و کشاورز، ۱۳۸۹: ۴۹) و در این بازآفرینی فضایی خلق می‌گردد که زمینه‌های لازم را جهت مشارکت فراهم می‌گرداند. چرا که (همانطور که ذکر گشت) این رویکرد با تاکید بر اصولی همچون شفافیت، قانونمداری، نظارت‌عدالت، کارایی و اثر بخشی ... می‌تواند باعث افزایش اعتماد میان ارکان اصلی شهر گردد و (همانطور که در قسمت سرمایه اجتماعی ذکر گردید) این اعتمادزایی خود می‌تواند فضا را جهت تعامل، کنش و به دنبال آن مشارکت فراهم گرداند.

همچنین این رویکرد ارتباط تنگاتنگی را نیز با توسعه دارد ارتباط بین حکمرانی خوب و توسعه را می‌توان از سه منظر مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. اول؛ حکومت دموکراتیک، که بر مشروعیت، مسئولیت پذیری و حقوق بشر دلالت می‌کند. این تعریف اصول اساسی توسعه را شکل داده و توسعه مشارکتی را ارتقاء می‌بخشد. گزارش سازمان همکاری اقتصادی و توسعه ادعا می‌کند که سرمایه گذاری در حکمرانی دموکراتیک به پیشرفت در اهداف توسعه کمک خواهد کرد. رویکرد دوم؛ با حکمرانی مؤثر سروکار دارد که بیشتر به توانایی اداره کردن مربوط می‌شود تا شکل حکومت کردن. رویکرد سوم؛ به عملکرد هماهنگ که منجر به نظم در اقدامات و تعاملات میان دولت و دیگر بازیگران است، مربوط می‌شود (رزمی و صدیقی، ۱۳۹۱: ۲). به عبارت دیگر حکمروایی را می‌توان به عنوان محیطی تجسم نمود که در آن سازمان‌های مدنی، اجتماعات، شهروندان، بخش خصوصی و سایر نهادها می‌توانند خود را مالک فرآیندهای توسعه و مدیریت محلی جوامع خود فرض نمایند. در چنین شرایطی مشارکت، بهره برداری از منابع محلی، ابتکارات و خلاقیت‌های بازیگران در جهت توسعه محلی بهبود می‌یابد. (دربان آستانه و رضوانی، ۱۳۹۱: ۱۸۱-۱۸۲). موارد فوق نشان می‌دهد که حکمروایی خوب می‌تواند بسترهای لازمه جهت مشارکت و به دنبال آن توسعه جوامع و شهرها را فراهم نماید.

یافته های تحقیق

آمار توصیفی مربوط به زمینه های حکمروایی خوب در بین شهر اسفراین

در این قسمت به بررسی زمینه های حکمرانی خوب در بین کارکنان شهرداری (اداره کننده شهر)، شورا (جامعه مدنی) و ساکنین (اداره شوندگان) شهر اسفراین (به عنوان ارکان اصلی شهر) می‌پردازیم. جهت این امر زمینه های حکمرانی خوب از طریق چهار



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

متغیر کلی (مشارکت، قانونمداری، شفافیت، مسئولیت و پاسخ گویی) به همراه شاخص های آنان مورد سنجش قرار می گیرد. نتایج حاصله به شرح جدول شماره (۱) می باشد.

جدول شماره (۱): سنجش زمینه های حکمروایی خوب در میان ارکان اصلی شهر اسفراین

اداره شوندگان		اداره کنندگان و جامعه مدنی		ارکان شهر
میانگین	عامل	میانگین	عامل	الگو
۲/۵	مشارکت	۲/۵	مشارکت	حکمروایی خوب
۱/۲	قانونمداری	۲/۶	قانونمداری	
۱/۵	شفافیت	۲/۳	شفافیت	
۱/۶	مسئولیت و پاسخگویی	۲/۵	مسئولیت و پاسخگویی	
۱/۹	مجموع	۲/۴	مجموع	

(منبع: محاسبات نگارندگان که از طریق پرسشنامه های تکمیل گشته در بین کارکنان شهرداری، شورا و ساکنین شهر اسفراین به دست آمده است)

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که زمینه های لازم جهت حرکت به سوی الگوی حکمروایی خوب در شهرداری و شورای شهر اسفراین به عنوان اصلی ترین نهادهای اداره کنندگان شهر هنوز فراهم نبوده و میزان آن پایینتر از حد متوسط یعنی (۲/۴) می باشد. همچنین وضعیت این زمینه ها در بین ساکنین شهر اسفراین نیز هنوز فراهم نمی باشد و میزان آن پایینتر از حد متوسط یعنی (۱/۹) می باشد و طبیعی است جهت حرکت و پیاده سازی الگوی مورد نظر ابتدا این زمینه ها می بایستی تقویت گردند.

وضعیت شهر اسفراین در زمینه سرمایه اجتماعی

در این قسمت تنها دو متغیر مشارکت اجتماعی و آگاهی اجتماعی مورد بررسی قرار می گیرد چرا که متغیر اعتماد اجتماعی در ابعاد عمومی و نهادی در زمینه مقوله حکمروایی خوب در مبحث قبلی مورد بررسی قرار گرفته است.

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

وضعیت مشارکت اجتماعی در شهر اسفراین:

اطلاعات این قسمت به شرح جدول شماره (۲) می باشد.

جدول شماره (۲) : وضعیت مشارکت اجتماعی در شهر اسفراین به عنوان یکی از متغیرهای سرمایه اجتماعی

میانگین	گویه	بعد	هدف
۳/۳	اعتقاد به کارهای گروهی	مشارکت غیر رسمی	وضعیت مشارکت اجتماعی در شهر اسفراین:
۳	علاقه به شرکت در کارهای گروهی		
۳/۲	علاقه به پیگیری امور محله.		
۳/۸	توسعه منطقه در صورت همکاری با مجریان طرح.		
۳/۳	میانگین		
۲	عضویت در سازمانهای خیریه و تعاونی.	مشارکت رسمی	
۴/۲	عضویت در گروههای مذهبی		
۴/۸	شرکت در انتخابات.		
۱	شرکت در جلسه های برگزار شده در شورای شهر		
۱	اظهار نظر درباره طرحهای شهری		
۱/۵	مراجعه به شهرداری جهت پیگیری امور محله		
۱/۶	مراجعه به شهرداری برای ارائه نظر درباره توسعه شهر		
۱/۳	همکاری داوطلبانه برای پیشرفت طرحهای شهری		
۱/۲	استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی جهت بهبود آلودگی هوای شهر		
۱/۸	میانگین		
۲/۵	میانگین کلی		

(منبع: مطالعات و محاسبات نگارنده از اطلاعات حاصله پرسشنامه)

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که هر چند تمایل به مشارکت و مشارکت غیر رسمی در میان ساکنین شهر اسفراین بالا می باشد (۳/۳) منتها این پتانسیل بالقوه نتوانسته است به فعلیت برسد و میانگین مشارکت رسمی این افراد با نهادهای اداره کننده

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

شهر بسیار پایینتر از حد متوسط یعنی (۱/۸) می باشد. ریشه این عامل و عدم به فعلیت رسیدن پتانسیل مورد نظر را می توان در پایین و نامناسب بودن اعتماد نهادی این افراد جستجو نمود که در قسمتهای قبل به آن اشاره گردید.

وضعیت آگاهی اجتماعی در شهر اسفراین:

اطلاعات این قسمت به شرح جدول شماره (۳) می باشد.

جدول شماره (۳) : وضعیت آگاهی اجتماعی در شهر اسفراین به عنوان یکی از متغیرهای سرمایه اجتماعی

میانگین	گویه	بعد	هدف
۱/۳	تاثیر نظرات شهروندان در مدیریت شهر	آگاهی اجتماعی	وضعیت آگاهی اجتماعی در شهر اسفراین
۲/۵	آشنایی با مفهوم و حقوق شهروندی		
۱/۲	سهیم بودن در مدیریت شهر.		
۱/۸	آگاهی از حقوق شهروندی و نظارت بر مسئولین شهری		
۱/۷	میانگین		

(منبع: مطالعات و محاسبات نگارنده از اطلاعات حاصله پرسشنامه)

جدول فوق نشان می دهد که ساکنین شهر اسفراین آگاهی اجتماعی بسیار پایینی از حقوق خویش دارند به طوری که آنها اعتقادی ندارند که می توانند در مدیریت شهر خویش سهیم باشند و نظرات خویش را در زمینه مدیریت و اداره شهر ارائه دهنده و به طور کلی ساختار، فضا و بستر موجود را جهت استفاده از حقوق خویش مهیا و فراهم نمی بینند. این عامل مهمترین ضربه ای که وارد می کند جلوگیری از تبدیل شهرنشینان به شهروندان می باشد چرا که (در قسمت مربوط به شهروندی در مبانی نظری عنوان گردید) احساس برخورداری از حق یکی از دو بعد مهم احساس شهروندی می باشد. و یک فرد در صورت احساس برخورداری از حق است که خود را مکلف به انجام تکالیف و وظایف خویش می داند که متأسفانه در میان ساکنین شهر اسفراین این عامل دیده نمی شود و شاید به همین خاطر است (در کنار اعتماد نهادی پایین) که میزان مشارکت رسمی این افراد با نهادهای اداره کننده شهر بسیار پایین می باشد. چرا حق و تکلیف دو جزء اصلی احساس شهروندی می باشند که ساکنین شهر اسفراین احساس نمی کنند از جزء اول برخوردار باشند پس در نتیجه در انجام تکلیف خویش دچار تردید می شوند و این عامل، سد مهمی است در فرایند تبدیل این شهرنشینان به شهروندان.

کیفیت ارتباط ساکنین شهر اسفراین با شورای شهر به عنوان نمود جامعه مدنی

در این قسمت نظر ساکنین شهر اسفراین در زمینه کیفیت فعالیت شورای شهر به عنوان نمود جامعه مدنی بررسی میگردد.

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

جدول شماره (۴): کیفیت شواری شهر به عنوان نمود جامعه مدنی از منظر ساکنین شهر اسفراین

هدف	بعد	گویه	میانگین	منطقه دو
ارزیابی کیفیت شواری شهر به عنوان نمود جامعه مدنی از منظر ساکنین شهر اسفراین	کیفیت جامعه مدنی	شواری شهر یک جامعه مدنی است نه یک نهاد دولتی	۱/۷	۲
		عضو شورا بودن شغل محسوب نمی گردد.	۲	۱/۵
		با مفهوم جامعه مدنی آشنایی دارم	۲	۲/۲
		با هدف تشکیل شورا به عنوان یک جامعه مدنی شهر آشنایی دارم.	۲	۲/۳
		یکی از خواسته‌های مهم ساکنین شهر تشکیل شوراها بوده است.	۲/۴	۲/۵
		میدانم برای چه مواردی به شورا مراجعه نمایم.	۲/۲	۲/۵
		میاگین	۲	۱/۲

(منبع : اطلاعات حاصله از پرسشنامه تکمیل شده در میان ساکنین شهر اسفراین)

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که ساکنین شهر اسفراین به طور کلی آشنایی چندانی با مفهوم و ماهیت جوامع مدنی و فلسفه پیدایش شواری شهر به عنوان نمودی از جامعه مدنی ندارند. به طوریکه شواری شهر را بیشتر یک نهاد دولتی می دانند تا یک جامعه مدنی، عضو شورا بودن را یک شغل قلمداد می کنند و با هدف تشکیل شواری شهر به عنوان یک جامعه مدنی آشنایی چندانی ندارند به خاطر همین آشنا نبودن، تشکیل این نهاد را جزء خواسته‌های ضروری که بتواند مشکلات شهر را حل نماید نمی دانند. شاید به خاطر همین آشنا نبودن مردم با فلسفه جوامع مدنی باشد که معنای تشکیل شوراها که همانا جلب مشارکت مردم میباشد در شهر اسفراین محقق نشده است (به علت پایین بودن مشارکت رسمی و نهادی در این شهر). چرا که هنوز فضای مناسب جهت پذیرا بودن و خواستن جامعه مدنی فراهم نیامده است در این فضای ناآماده ساکنین فلسفه و هدف تشکیل شواری شهر به عنوان یک جامعه مدنی را درک نمی کنند همین ناآماده بودن بستری را فراهم می آورد جهت اینکه این نهاد نتواند معنای خویش را در عمل منتقل سازد. همچنین جدول شماره (۵) انگیزه مراجعه ساکنین شهر اسفراین به شواری شهر را نشان می دهد.

جدول شماره (۵): انگیزه مراجعات شهروندان به شواری شهر اسفراین طی سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳

درصد	علت مراجعه
۲۲	کم کردن میزان تخلفات ساختمانی
۴۷	معرفی به ادارت و سازمانهای مختلف نظیر کمیته امداد، تامین اجتماعی، بانکها و...
۳۱	کارهای متفرقه نظیر امور سربازی، دریافت وام، استخدامی و....

(منبع : بایگانی نامه های ثبت شده در دبیرخانه شواری شهر اسفراین، طی سال ۱۳۹۲-۱۳۹۳)

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

جدول فوق نشان می دهد که ساکنین شهر اسفراین آشنایی چندانی با فلسفه پیدایش شورای شهر به عنوان نمودی از جامعه مدنی ندارند و بیشتر خواسته ها و مطالباتشان نیز خارج از چارچوب این نهاد می باشد، اکثر ساکنین، شورای شهر را نهادی دولتی می دانند نه یک جامعه مدنی، و اکثر مراجعات آنها نیز خارج از اهداف و فلسفه پیدایش این تشکل بوده است. همچنین با دقت بیشتر به انگیزه این مراجعات مشخص می گردد که انگیزه اکثر مراجعات نیز کنشهای ابزاری بوده است اموری که بیشتر آنها ارتباطی با مسائل شهری و عمومی ندارد. بیشتر این مراجعات در پی مرتفع نمودن نیازهای شخصی آنها می باشد. در واقع آنها شورا را یک نهادی می دانند که بیشتر مشکلات شخصی آنها را حل نماید و از این منظر به شورا نگاه می کنند. قرار گرفتن شورا در چنین فضایی که به نوعی ظرفیت و آمادگی ظهور چنین نهادی با فلسفه یک جامعه مدنی را ندارد زمینه را برای ناکام ماندن شورا در انتقال معنای خویش فراهم ساخته است.

عوامل موثر بر افزایش زمینه سازی برای مشارکت در شهر اسفراین :

در این قسمت جهت شناسایی و تحلیل عوامل موثر بر زمینه سازی برای ارتقاء مشارکت در شهر اسفراین از مدل تحلیل رگرسیونی استفاده می شود. جهت بررسی فوق از طریق تحلیل رگرسیونی، مشارکت به عنوان متغیر وابسته و شاخص های ، حکمروایی خوب، اعتماد نهادی، اعتماد عمومی، و آگاهی اجتماعی (از حقوق شهروندی)، پویایی جوامع مدنی (شورای شهر) به عنوان متغیرهای مستقل در نظر گرفته شده است. نتایج این تحلیل به شرح جدول شماره (۶) می باشد.

جدول شماره (۶) : عوامل موثر بر زمینه سازی برای ارتقاء مشارکت بر مبنای تحلیل رگرسیونی

Sig	آزمون T	β	R2	R	متغیر وابسته	متغیر مستقل
۰۰۰/۰	۳۱/۷	۰/۸۶	۰/۷۸	۰/۸۶	مشارکت	حکمروایی خوب
۰۰۰/۰	۲۷/۷	۰/۷۸	۰/۶۲	۰/۷۸	مشارکت	اعتماد نهادی
۰۰۰/۰	۱۷/۴۵	۰/۶۹	۰/۵۳	۰/۶۹	مشارکت	اعتماد عمومی
۰۰۰/۰	۱۵/۸	۰/۶۳	۰/۴۷	۰/۶۳	مشارکت	آگاهی اجتماعی
۰۰۰/۰	۷/۳	۰/۵۹	۰/۴۴	۰/۵۹	مشارکت	پویایی جوامع مدنی

(منبع : محاسبات نگارندگان)

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که بر طبق مقادیر بتا (β) مشخص است که در بین متغیرهای مستقل مورد نظر تحقیق، متغیر حکمروایی خوب با سطح اطمینان ۹۵ درصد بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته تحقیق یعنی مشارکت داشته است. چرا که مقدار (β) متغیر وضعیت اقتصادی (۰/۸۶) می باشد. بعد از حکمروایی خوب متغیرهای اعتماد نهادی، اعتماد عمومی، آگاهی اجتماعی و پویایی جوامع مدنی به ترتیب با ضرایب بتا (۰/۷۸)، (۰/۶۹)، (۰/۶۳) و (۰/۵۹) بیشترین تأثیر را بر زمینه سازی برای تحقق مشارکت در شهر اسفراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد داشته است.

رابطه عوامل موثر با زمینه سازی برای مشارکت در شهر اسفراین

در این قسمت نیز جهت نشان دادن نوع رابطه متغیرهای (حکمروایی خوب، اعتماد نهادی، اعتماد عمومی، آگاهی اجتماعی و پویایی جوامع مدنی) در شهر اسفراین با زمینه سازی جهت ارتقاء مشارکت از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده می گردد. اطلاعات حاصله از این آزمون به شرح جدول شماره (۷) می باشد.

جدول شماره (۷): رابطه عوامل موثر با زمینه سازی جهت ارتقاء مشارکت در شهر اسفراین بر اساس آزمون همبستگی اسپیرمن

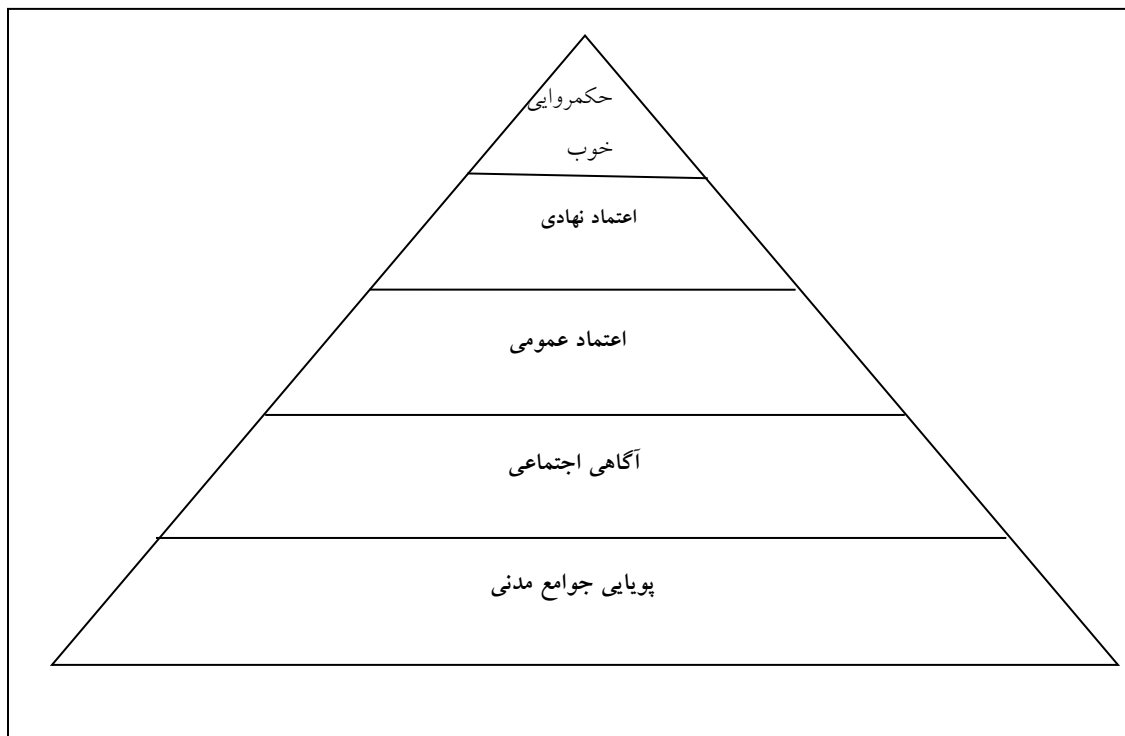
نوع ارتباط	معناداری	ضریب همبستگی اسپیرمن	شاخص
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۸۰۶	بهبود شاخصهای حکمروایی خوب باعث نزدیکی ارکان اصلی شهر به یکدیگر و زمینه سازی برای مشارکت آنها با یکدیگر می گردد.
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۸۳۱	بهبود اعتماد نهادی باعث نزدیکی ارکان اصلی شهر به یکدیگر و زمینه سازی برای مشارکت آنها با یکدیگر می گردد.
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۷۶۲	بهبود اعتماد عمومی باعث نزدیکی ارکان اصلی شهر به یکدیگر و زمینه سازی برای مشارکت آنها با یکدیگر می گردد.
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۷۷۶	بهبود آگاهی اجتماعی باعث نزدیکی ارکان اصلی شهر به یکدیگر و زمینه سازی برای مشارکت آنها با یکدیگر می گردد.
مثبت	۰/۰۰۰	۰/۸۶۲	بهبود و پویایی شورای شهر به عنوان جامعه مدنی باعث نزدیکی ارکان اصلی شهر به یکدیگر و زمینه سازی برای مشارکت آنها با یکدیگر می گردد.

(منبع: محاسبات نگارنده، بر طبق پرسشنامه تکمیل شده در بین ساکنین اسفراین)

اطلاعات جدول فوق نشان می دهد که بر اساس ضریب همبستگی اسپیرمن در شهر اسفراین، ارتباط معنی داری بین شاخصهای (حکمروایی خوب، اعتماد نهادی، اعتماد عمومی، آگاهی اجتماعی و پویایی جوامع مدنی) با زمینه سازی برای ارتقاء مشارکت وجود دارد. همچنین جهت این ارتباط نیز در تمام این شاخصها مثبت می باشد و موید این نکته است که افزایش هر کدام از این شاخصها به نوبه ی خود باعث افزایش مشارکت در شهر اسفراین می گردد. بر طبق یافته های تحقیق می توانیم هرم زیر را به عنوان عوامل موثر در زمینه سازی برای تحقق مشارکت در شهر اسفراین را ارائه بدهیم.

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

شکل شماره (۳) : هرم عاملهای موثر بر زمینه سازی برای ارتقاء مشارکت در شهر اسفراین



آزمون فرضیه

اطلاعات جدول شماره (۶) نشان می دهد که در بین متغیرهای مستقل مورد نظر تحقیق، متغیر حکروایی خوب با سطح اطمینان ۹۵ درصد بیشترین تاثیر را بر متغیر وابسته تحقیق یعنی مشارکت داشته است. همچنین جدول شماره (۷) بر طبق ضریب همبستگی اسپیرمن نشان می دهد که ارتباط معنی داری بین شاخصهای حکروایی خوب (۰/۸۰۶) با زمینه سازی برای ارتقاء مشارکت وجود دارد. همچنین جهت این ارتباط نیز در تمام این شاخصها مثبت می باشد و موید این نکته است که افزایش هر کدام از این شاخصها به نوبه ی خود باعث افزایش مشارکت در شهر اسفراین می گردد. مطالب فوق نشان می دهد جهت زمینه سازی برای ارتقاء مشارکت و دستیابی به توسعه شهری در این فضا می بایستی از طریق تقویت شاخصهای حکروایی خوب، اقدام با بازساخت و بازآفرینی فضایی نمود که مشخصه اصلی این فضا وجود اعتماد اجتماعی بالا باشد. چرا که در این فضای ساخته و بازآفرینی شده با بالا رفتن اعتماد اجتماعی و همچنین شکل گیری رابطه متعالی میان اداره کنندگان و اداره شوندهگان در شهرها، زمینه برای نزدیکی این ارکان به یکدیگر و تحقق مشارکت در نتیجه این نزدیکی بیشتر فراهم می باشد. به طور کلی چون نفس الگوی حکروایی خوب بهبود رابطه و متعالی نمودن رابطه میان ارکان اصلی شهر و نزدیک نمودن آنها به یکدیگر است. این نزدیکی و رابطه متعالی خود می تواند باعث ارتقاء اعتماد نهادی گردد چون تا زمانیکه اعتمادی بین طرفین نباشد، نزدیکی و ارتباطی نیز صورت نمی گیرد. با این تفاسیر فرضیه تحقیق تایید می گردد.



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

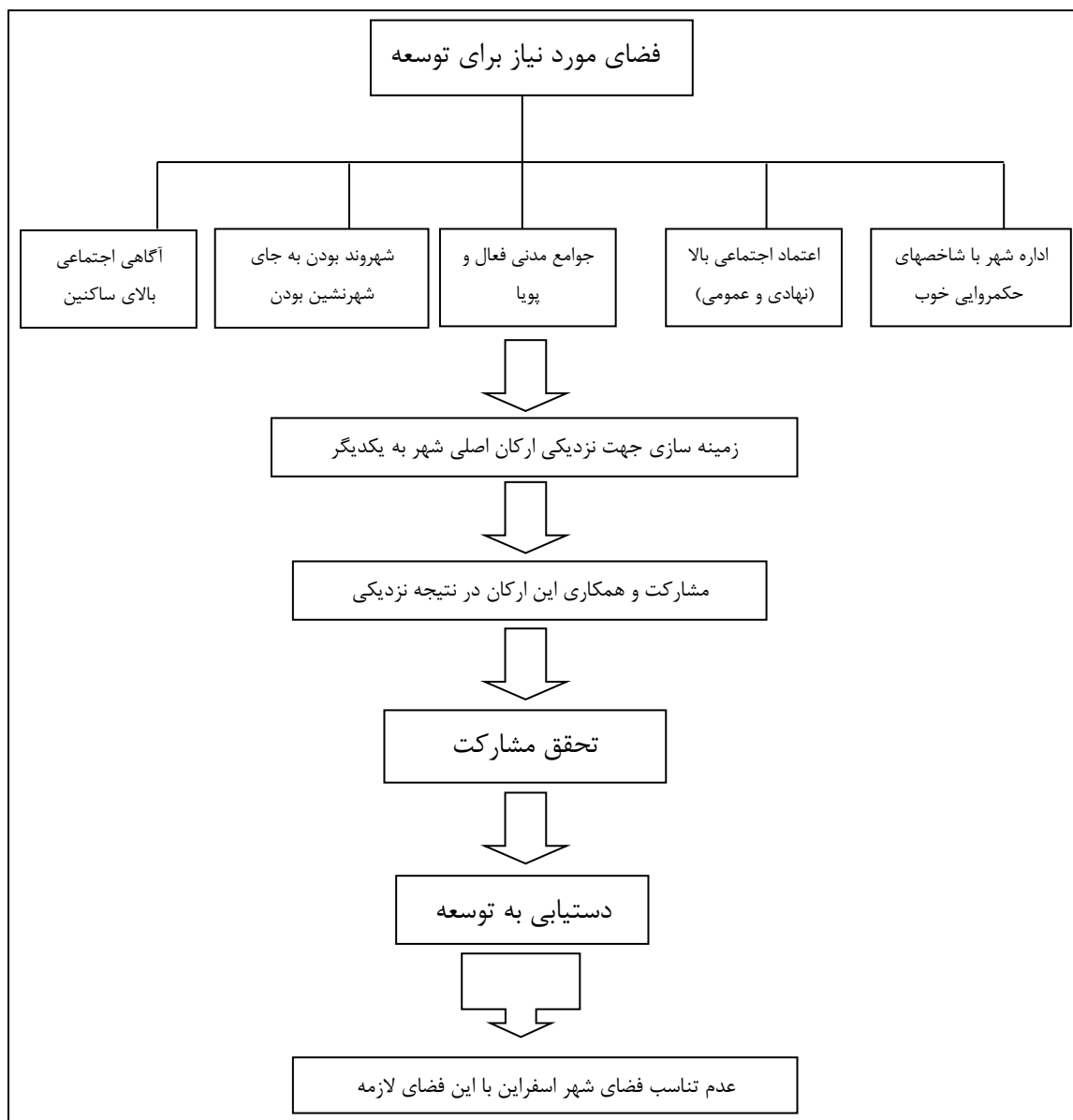
نتیجه گیری: همدلی دولت و ملت

امروزه صاحب نظران توسعه به این نتیجه رسیده اند که دستیابی به توسعه شهری در گرو مشارکت ارکان اصلی شهر با یکدیگر می باشد ارکانی که در قالبهای مختلف (نهادهای اداره کننده شهر، جوامع مدنی و ساکنین شهرها) در شهرها به فعالیت می پردازند. چرا که با نزدیکی و تعامل این ارکان با یکدیگر است که طرحها و برنامه های توسعه شهری به تحقق می رسند و در صورت تحقق این طرحها است که شهر مورد نظر به شهر و مکان بهتری تبدیل می گردد. منتها تحقق این امر و نزدیکی ارکان اصلی شهر با یکدیگر خود فضای خاصی را می طلبد فضایی که به راحتی به دست نمی آید. این امر فضایی را خواستار است که در آن فضا نحوه اداره شهرها به صورت حکمروایی از نوع خوب باشد نه حکمرانی از بالا به پایین، فضایی را خواستار است که اعتماد نهادی ساکنین و شهرنشینان به نهادهای اداره کننده شهر بالا باشد، فضایی را خواستار است که آگاهی اجتماعی ساکنین آن بالا باشد و با این آگاهی بالا رای به تشکیل نهادها و نموده های جامعه مدنی به مانند شورای شهر بدهند و شوراهای شهر و دیگر جوامع مدنی برخاسته از خواستهایی باشد که این خواسته ها خود از آگاهی های اجتماعی بالا برخاسته باشند. متأسفانه یافته های تحقیق در حد توان نگارنده نشان می دهد که فضای موجود شهر اسفراین کمترین تناسب را با این فضا (مورد نیاز و زمینه ساز تحقق مشارکت) دارا می باشد. فضای موجود اسفراین فضایی است که در آن نحوه اداره شهر با شاخصهای حکمروایی خوب فاصله دارد و این فاصله سبب فاصله ساکنین این شهر و بی اعتمادی آنها به این نهادها و شیوه اداره شهرشان شده است. فضای موجود اسفراین فضایی است که در آن شورای شهر به عنوان نمود جامعه مدنی نتوانسته است معنای خویش را متقل سازد به همین خاطر است که مشارکت رسمی در این شهر پایین و اکثر مراجعات به این نهاد خارج از چارچوب وظایف مشخص آنها می باشد. فضای موجود منجر شده است که مسئله مشارکت که به عنوان کلید دستیابی به مشارکت قلمداد می شود خود به عنوان مانع اصلی دستیابی به توسعه شهری تبدیل شود. همچنین یافته های تحقیق نشان می دهد که در بین عاملهای موثر در را زمینه سازی برای تحقق مشارکت عامل حکمروایی مطلوب و اعتماد نهادی به ترتیب دارای بیشترین تاثیرگذاری هستند و همچنین این دو عامل به همراه عاملهای اعتماد عمومی، آگاهی اجتماعی و پویایی شورای شهر همگی دارای همبستگی و ارتباط معنادار و مثبتی با ارتقاء مشارکت می باشند به نحوی که بهبود و ارتقاء آنها سبب بهبود و زمینه سازی برای تحقق مشارکت می گردد. مطالب فوق نشان می دهد که جهت دستیابی به توسعه از طریق مشارکت، فضایی جدید باید بازآفرینی گردد که مشخصه اصلی این فضا وجود اعتماد اجتماعی بالا باشد. چرا که در این فضای ساخته و بازآفرینی شده با بالا رفتن اعتماد اجتماعی و همچنین شکل گیری رابطه متعالی میان اداره کنندگان و اداره شوندگان در شهرها، زمینه برای نزدیکی این ارکان به یکدیگر و تحقق مشارکت در نتیجه این نزدیکی بیشتر فراهم می باشد. این فضا با توجه به اصول مورد تاکید الگوی حکمروایی خوب می تواند فراهم گردد. مهم بودن مبحث حکمروایی خوب در باز ساخت فضای شهرهای کشور را می توان از بصیرت مقام معظم رهبری کشورمان نیز درک نماییم که ایشان با دید و بصیرت بالا و تشخیص این عامل امسال را با عنوان سال همدلی دولت و ملت نامگذاری نموده اند. چرا که با دریافت اهمیت این مقوله و با نامگذاری امسال با این عنوان سعی در ارائه رهنمودهایشان در راه باز ساخت فضایی جدید داشتند فضایی که در آن ارکان اصلی شهر به یکدیگر نزدیک بوده و با مشارکت زمینه را برای توسعه شهرهای خویش فراهم آورند. به طور کلی یعنی فضایی با

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

همدلی بیشتر دولت و ملت. اولین گام جهت زمینه سازی برای بازساخت این فضا در شهر اسفراین نیز بر طبق یافته های تحقیق، تحقق شاخصهای حکمروایی خوب می باشد. مطالب فوق جهت هم زبانی بهتر در شکل شماره (۴) ارائه می گردد.

شکل شماره (۴) : فضای مورد نیاز تحقق مشارکت و فضای موجود شهر اسفراین



(منبع : مطالعات نگارندگان)

پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

منابع :

۱. اسماعیل زاده، حسن (۱۳۹۱) : حکمروایی خوب، راه چاره تحقق شهر خوب، اطلاعات سیاسی- اقتصادی، شماره ۲۸۸.
۲. اطهاری، برک پور، کاظمیان، مهدیزاده (۱۳۸۶) : حکمروایی شهری و ضرورت شکل گیری آن در ایران (گفتگو)، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰.
۳. ایمانی جارجرمی، حسین (۱۳۸۲) : حکمروایی شهری و پژوهش شهری، فصلنامه مدیریت شهری شماره ۱۵-۱۶.
۴. برک پور، ناصر (۱۳۸۶) : حکمروایی شهری و نظام اداره شهرها در ایران، ارائه شده در اولین کنفرانس مدیریت و برنامه ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد.
۵. پورمحمدی، محمدرضا، کریم حسین زاده دلیر و عیسی پیری (۱۳۸۹) : حکمروایی مطلوب شهری بر بنیان سرمایه اجتماعی : آزمون نظم نهادی - فضایی ارتباطی و فاعلیت مندی غیر اقتصادی مطالعه موردی : کلان شهر تبریز، مطالعات جغرافیایی مناطق خشک، سال اول، شماره اول.
۶. تقوایی، علی اکبر و رسول تاجدار (۱۳۸۸) : درآمدی بر حکمروایی خوب شهری در رویکردی تحلیلی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۲۳. صص : ۴۵-۵۸.
۷. حسین زاده، علی حسین، نبی الله ایدر و الهام عباسی (۱۳۹۱) : بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندی در بین شهروندان شهر خرم آباد، فصلنامه مطالعات جامعه شناختی شهری، شماره ۲.
۸. دربان آهسته، علیرضا و محمدرضا رضوانی (۱۳۹۱) : تبیین عوامل موثر بر حکمروایی روستایی در حکومت های محلی؛ مطالعه موردی : شهرستان قزوین، دو فصلنامه مدیریت شهری، شماره های ۲۸-۲۹.
۹. ربانی، رسول، دارما آرانچولام، محمد عباس زاده و وحید قاسمی (۱۳۸۶) : بررسی تاثیر رفاه اقتصادی و اجتماعی بر میزان مشارکت شهروندان در امور شهری، مورد مطالعه شهر اصفهان، دو فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲.
۱۰. رزمی، محمدجواد و سمیه صدیقی (۱۳۹۱) : الزامات تحقق حکمرانی خوب برای دستیابی به توسعه انسانی، چهارمین همایش ملی اقتصاد، ایران، دانشگاه آزاد واحد خمینی شهر.
۱۱. رهنمایی، محمد تقی و مهناز کشاورز (۱۳۸۹) : بررسی الگوی حکمروای خوب و نقش دولت در مدیریت و اداره امور شهرها در ایران، دو فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی منطقه ای، سال اول، شماره اول. صص : ۲۳-۵۵.
۱۲. سالارزهی، حبیب الله، حبیب ابراهیم پور (۱۳۹۱) : بررسی سیر تحول در پارادایم های مدیریت دولتی : از پارادایم مدیریت دولتی سنتی تا پارادایم حکمرانی خوب، مدیریت دولتی، دوره ۴، شماره ۹.
۱۳. سعیدی، عباس (۱۳۸۷) : حکمروایی خوب، دانشنامه مدیریت شهری و روستایی، سازمان شهرداریها و دهیاری های کشور، تهران.
۱۴. ضرابی، اصغر و مهری اذانی (۱۳۸۰) : توسعه پایدار در جهان صنعتی و در حال توسعه، آموزش جغرافیا، سال شانزدهم، شماره ۵۹.
۱۵. عضدانلو، حمید (۱۳۸۵) : موانع توسعه عقلی و آثار آن بر توسعه اقتصادی و سیاسی، نشریه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره ۲۲۵ و ۲۲۶. صص ۶۱
۱۶. عطاء الهی، مهدی (۱۳۶۹) : توسعه انسانی مهمترین هدف توسعه، نشریه تدبیر، شماره ۵. صص : ۱۶-۱۳.



پانزدهمین کنفرانس ملی شهرسازی، معماری، عمران و محیط زیست

۱۷. علوی زاده، سیدمحمدامیر (۱۳۸۶) : الگوهای توسعه اقتصادی- اجتماعی با تاکید بر توسعه روستایی در ایران، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۴۶، صص: ۲۰۱-۱۹۰.
۱۸. فاطمی نیا، سیاوش (۱۳۸۶)؛ فرهنگ شهروندی: محصول و محمل حاکمیت خوب، سازمان کارا و شهروند فعال، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۶، صص: ۵۸-۳۵.
۱۹. فاطمی نیا، سیاوش و سیامک حیدری (۱۳۸۷) : عوامل مرتبط با تعهدات شهروندی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال دهم، شماره ۳۸، صص: ۴۱-۶۴.
۲۰. کاظمیان، غلامرضا (۱۳۸۳) : تبیین ساختار حاکمیت و قدرت شهری با سازمان یابی فضایی، پایان نامه دکتری جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. گودرزوند چگینی، مهرداد (۱۳۸۷) : توسعه پایدار مقایسه هند و ژاپن، نشریه تدبیر، شماره ۲۰۱، صص: ۳۲-۲۸.
۲۲. لاله پور، منیژه (۱۳۸۶) : حکمروایی شهری و مدیریت شهری در کشورهای در حال توسعه، تهران، جستارهای شهرسازی، شماره ۱۹ و ۲۰.
۲۳. لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۴) : توسعه شهری پایدار و توسعه فرهنگی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۱۱، صص: ۱۵۳-۱۳.
۲۴. میرزایی، حجت الله (۱۳۸۵) : مصاحبه با عنوان : بدون توسعه مناطق، توسعه ملی امکان پذیر نیست، ماهنامه اقتصاد توسعه، شماره ۱۳ و ۱۴، صص: ۱۰-۶.
۲۵. میدری، احمد، جعفر خیرخواهان (۱۳۸۳) : حکمرانی خوب، بنیاد توسعه، تهران، دفتر بررسیهای اقتصادی مرکز پژوهشهای مجلس شورای اسلامی، چاپ اول.
۲۶. ناطق پور، محمد جواد و سیداحمد فیروزآبادی (۱۳۸۴) : سرمایه اجتماعی و عوامل موثر بر شکل گیری آن در شهر تهران، نشریه جامعه شناسی ایران، شماره ۲۴، صص ۹۱-۵۹.
۲۷. نجاتی حسینی، محمود (۱۳۸۹) : شهروندی شهری : از نظریه تا سیاست شهری و تجربه فرهنگی، دانشنامه علوم اجتماعی، دوره ۱، شماره ۳، صص: ۱۶۰-۱۳۵.
۲۸. نوبخت، محمدباقر (۱۳۸۸) : نفت، بخش پیشرو در توسعه نامتوازن ایران، فصلنامه راهبرد، سال هجدهم، شماره ۵۲.

29. Baum, H.S. (2004). Citizen Participation. International encyclopedia of the social & behavioral sciences. 1840-1846.
30. Bhuiyan, S (2011) : Transition Towards a Knowledge-Based Society in Post-Communist Kazakhstan: Does Good Governance Matter?, Matter? Matter? Journal of Asian and African Studies, Vol. 46, N. 4.
31. Garcia, M (2006) : Citizenship practices and urban governance in European cities, Urban Studies, Vol. 43, No. 4.
32. Kardos, M (2012) : The reflection of good governance in sustainable development strategies, 8th International Strategic Management Conference, Procedia - Social and Behavioral Sciences 58.
33. Mafunsia, M (2004) : The role of civil society in promoting good governance in the Republic of South Africa, International Review of Administrative Sciences. vol. 70, No. 3.



34. Roberts, M, Wright, S, Oneill, Ph (2007): Good governance in the Pacific? Ambivalence and possibility, Geoforum. 38.
35. Sheng, Y (2010) : Good urban governance in southeast asia, Environment and Urbanization Asia, 1(2).
36. Waheduzzaman & Mphande (2012) :Gaps in Participatory good governance : Bangladesh context, Administration & Society ,XX(X).